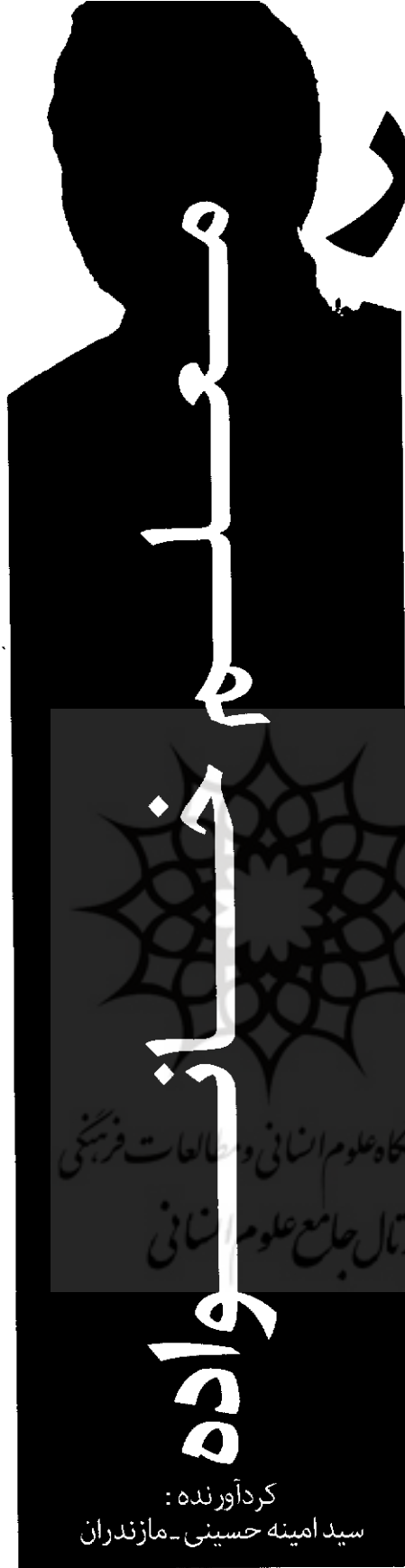


پدر



و اوست که فرزندان را در جهت توسعه اطلاعات، رشد مهارت‌ها و معلومات و پرورش ذوق و سلیقه و جهت دادن آنها یاری می‌کند. پدر ممکن است بسیاری از آن چه را که خود می‌داند به فرزند خویش منتقل نماید و بسیاری از مسائل مورد نیاز و مشکلات و معماهای او را حل کند و از این دید، نقش راهنما را برای کودک ایفا کند و راهی برای زندگی او عرضه نماید.

اهمیت پدر در جنبه الگویی

کودک در مسیر رشد از افراد بسیاری اثر می‌پذیرد و تحت تأثیر دیده‌ها و شنیده‌های بسیاری است. همه آنها می‌باشند که در اطراف کودک هستند و به نحوی در او اثر دارند. مدل و الگوی او به شمار می‌آیند. اما پسر از همه آنها مهم‌تر و مؤثرتر است و این اهمیت و تأثیر تا سنین نوجوانی هم چنان بر جای خویش است.

رفتار پسر در سنین خردسالی فرزند برای او همه چیز است: درس، اخلاق، تربیت، سازندگی یا ویرانگری. طفل همه چیز را از او کسب می‌کند: محبت، شصقت، وفاداری، خلوص و صفا، رشادت و شهامت، ادب و تواضع، عزت نفس، سجایای اخلاقی، درستکاری، پشتکار، سربلندی، شرافت، صداقت و ...

این امر آن چنان از نظر روان‌شناسان تربیتی گسترش دارد که برخی از آنها رفتار فرزندان را انعکاسی از رفتار پدران دانسته و گفته‌اند: تو کودک خود را به من بنمای تا بگویم تو که هستی. نحوه استدلال پدر، به کارگیری وسایل و ابزار،

کینه‌توزی و خودخواهی او و ... همه در کودک مؤثر است.

بر این اساس پدران در برابر رفتار شخصی خود مسئول اند و با

مسئله پدری و عهده‌داری سرپرستی فرزندان، مسئولیتی خطیر و موفقیت در آن مستلزم آگاهی، فداکاری و اخلاق و اعتقاد است. به فرموده پیامبر اسلام (ص)، پدر مسئول است: والرجل راع علی اهل بینه و هو مسئول عنهم. او مسئول است اعتماد را در درون خانواده ایجاد کند، مراقب فرزندان باشد، زمینه را برای استقلال آنها فراهم آورد و مخاطرات را از آنان دور سازد. از همان دوران جنینی پدر باید زمینه‌ساز تربیت فرزند باشد تا روزی که او به دنیا آمد، دچار گرفتاری و سردرگمی نشود.

وظیفه و نقش پدر

پدر مسئول ارائه آگاهی‌های لازم و پرورش فرهنگی فرزندان است. از نظر کودک، اوست که همه چیز را می‌داند، به همه سؤالات پاسخ می‌گوید، از هر واقعه‌ای، در هر جا که اتفاق افتد خبر دارد. آینده و گذشته را اوست که باید خبر دهد، و بالاخره اوست که دریچه‌ای از اطلاعات را به روی کودک می‌گشاید.

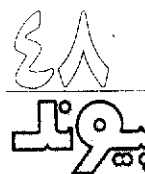
شاید تصور کودک از پسر اغراق‌آمیز باشد، ولی در کل این نکته درست است که افراد بزرگسال واجد اطلاعات و تجاربی اند که کودکان فاقد آنهاند. این اطلاعات و تجارب باید در اختیار کودک قرار گیرند. پدر در این زمینه متعهد انجام نقشی است که دیگران از آن عاجزند.

پسر از یک دید، معلم خانواده، رهبر و قانون‌دان است. از طریق پدر است که کودک، به گفته خواجه نصیرطوسی، از تدبیر و کمالات نفسانی، چون آداب و فرهنگ، هنر و صناعات و علوم و طریق زندگی که اسباب بقا و کمال نفس او هستند، برخوردار می‌شود.

این خطاست که تصور شود نقش فرهنگی فقط به عهده مدرسه است، زیرا پایه‌های صحیح علم و اطلاع را پدر در خانواده می‌گذارد.

گاه

کردآورنده:
سید امینه حسینی - مازندران



افکار و رفتارشان کودک را جهت می دهند و موجبات رشد یا سقوط شخصیت فرزندان را فراهم می آورند.

شرط اثرگذاری پدر

شرط اثرگذاری پدر در کودک این است که پدر در خانه و در حضور کودک باشد. همدم و همبازی او باشد، به او محبت کند، از نظر کودک عادل باشد و در برخوردها هیچ گونه تبعیضی روا ندارد تا به نظر کودک کسی آید که به رفع نیازهای او اقدام می کند و در کل، او پدر را دوست داشته باشد.

فرزند در چنین شرایطی است که از پدر الگو می گیرد و می کوشد کردار و رفتارش را با او موافق سازد. در غیر این صورت ممکن است طفل در اثر خشم و فشار پدر از او سرمشق بگیرد، ولی چنین جنبه الگویی هرگز پایدار نیست. طفل جبراً راه و روش پدر را تکرار می کند، ولی در دل هرگز عشقی نسبت به او احساس نخواهد کرد و هرگز نخواهد اندیشید که چون او باشد و حرکات و رفتارش را براساس خواست او شکل بدهد. طبیعی است هر گونه تلاش و اقدامی که در این راه به عمل آید، بی ثمر خواهد بود.

تربیت از راه الگو

پدران اگر بخواهند فرزند خود را بیورانند و او را به شیوه و روشی خاص جهت دهند، باید مدل و الگوی راه و روشی باشند که برای فرزند خویش خواستارند. پدرانی که بین عمل و گفتارشان، تفاوت است و پدرانی که فرصت کافی برای ارتباط با فرزندان خود ندارند، هرگز الگوی خوبی برای فرزندان خود نخواهند بود.

یک روش تربیتی

پدر در طریق سازندگی کودک و آشنا کردن او به ضوابط و شرایط محیط، گاهی لازم است فرزندان خود را به سفر ببرد. لذا از شما پدران می خواهیم برنامه سیر و سفر و گشت و گذار خود را کلاس درس کنید و خود، معلم این کلاس باشید. حال که بناست مثلاً پنج روزی در مسافرت باشید، از قبل برای آن برنامه ریزی کنید، ببینید در قطار و در کوچه خود چه چیزهایی را می توانید بگویید، چه قصه های قابل ذکری دارید که در آن نکات آموزنده و سازنده ای باشد و چگونه می توانید بسیاری از اهداف و مقاصد تربیتی را عملی کنید. به طور مثال، هر چه را در مسیر با آن برخورد می کنید به فرزندتان معرفی کنید، از تاریخ آن بگویید، در مورد فواید و مضار آن بحث کنید، از نکاتی که می تواند مایه عبرت آموزی باشد بحث به میان آورید. این فرصت ها کمتر پیش می آیند و حتی گاهی ممکن است فرصت پدید آید، ولی دیگر دیر شده باشد، مثل زمانی که فرزندان شما به سنین نوجوانی، بلوغ و جوانی رسیده اند.

براین اساس، باید مراقب باشید و سعی کنید روابط شما با او سالم و طبیعی و به دور از آشفته گی باشد. در طول همراهی با او، سعی کنید از او کمتر ایراد بگیرید. کمتر انتقاد کنید و خاطر او را کمتر مشوش سازید. تذکر اشتباهات او به صورت غیر مستقیم، مشفقانه و حتی در

خفا باشد.

صبر و تحمل شما در همراهی فرزند بسیار کارساز است. خوددار و مسلط باشید. بکوشید به گونه ای برخورد کنید که دست شما از دست او خارج نشود، مخصوصاً در هفت سال سوم زندگی فرد، که در آن صورت ترمیم دل شکسته و تحت کنترل در آوردن او بسیار مشکل است. در این صورت او حال غزالی را دارد که اگر بگریزد، به زحمت ممکن است با شما مانوس گردد.

زیان جدایی ها

پدر باید زمینه ساز انس و الفت از طریق ایجاد رابطه با فرزند باشد. این رابطه از طرق مختلف در محیط خانه و زندگی فراهم می شود. مثلاً از طریق تشکیل جلسات مشاوره خانوادگی و شرکت دادن کودک در تصمیم گیری ها. وجود چنین نزدیکی هایی سبب می شوند که فرزند با پدر احساس صمیمیت و انس کرده، خود را نسبت به او نزدیک بباید.

عدم توجه به فرزند و عدم هم کلامی با او سبب می شود که کودک به تدریج از پدر بگسلد و به دوستان و معشران خود توجه کند، با آن ها راز دل بگوید و به تدریج دست خود را از دست پدر بیرون بکشد. گاهی چنین کودکانی به سوی معلمان یا افرادی که دارای مقامی برترند، روی آورده، از پدر می گریزند این امر ممکن است از جهاتی یا در مواردی به نفع کودک باشد، ولی از خطرهای و عوارض آن نباید غافل شد. وجود شکاف بین پدر و کودک و در مقابل، انس با دوستان و معشران و برقراری رابطه تنگاتنگ با آنان، گاهی ممکن است به قیمت رسوایی و آلودگی فرزند تمام شود و دامنه آلودگی را به مرز خانواده بکشاند.

وقت گذاری پدر

فرزندان شما نیاز به وقت گذاری شما دارند تا از وجود شما و از زمینه های انس و الفت شما بهره بگیرند و راه و روش زندگی را از شما فرا گرفته، طریق زندگی خود را هموار سازند. شما هر چند که سرگرم و مشغول کار باشید، باز هم به مصلحت شماست که در شبانه روز لافل نیم ساعت با فرزندتان همراه باشید، با او حرف بزنید، بگویید و بخندید و استراحت و تفریح کنید. در سایه این وقت گذاری قادر خواهید شد رفتار فرزندتان را دریابید، از ریشه و منشأ آن با خبر شوید. اگر رفتاری ناپسند دارد، از آن سر درآورده، راه رفع و اصلاح آن را پیدا کنید، از تمایلات و خواسته های او آگاه شوید و در این باره تصمیم بگیرید.

کودک در آینده به آن کس دلبسته تر خواهد شد که با او سابقه انس و ارتباط بیشتری داشته باشد، و حرف و سخن آن کس را بیشتر پذیرا خواهد شد که باب رفاقت و ملاحظاتی با او گشاده باشد. شما در سایه این وقت گذاری موفق خواهید شد رابطه او را با خود، با اعضای خانواده و از آن مهم تر با خدا محکم تر سازید.

منبع:

سایت تبیان

۴۹

پسوند

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی
تاسستار ۱۳۸۷
شماره ۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۲۷